

گذری و نظری بر کتاب

تاریخ ملازاده

(در ذکر مزارات بخارا)

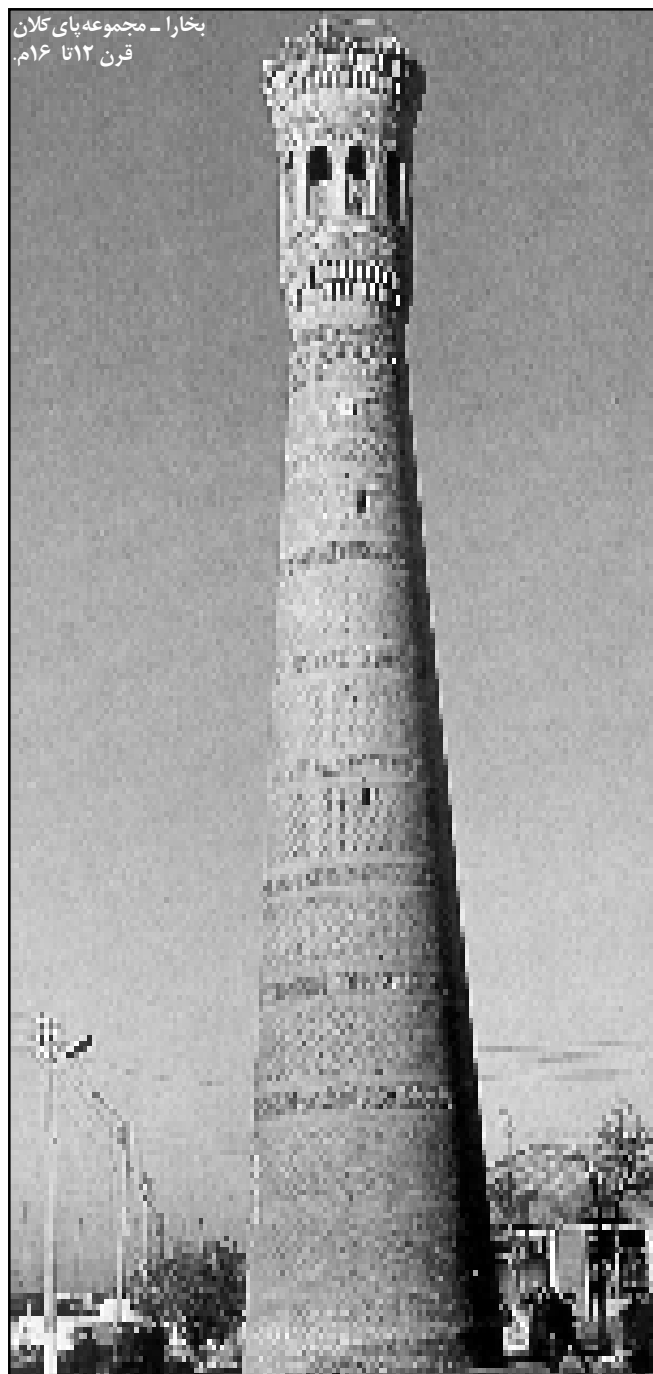
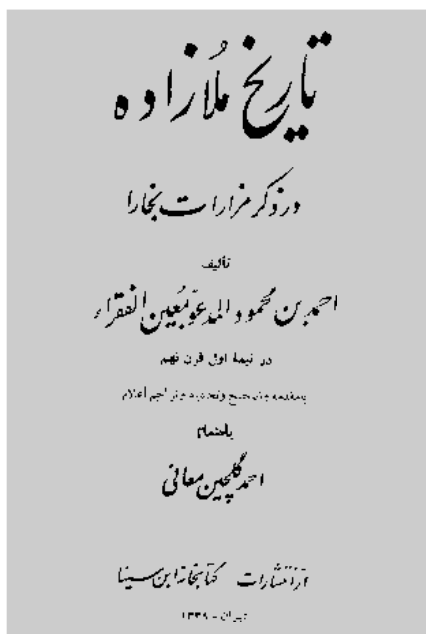
○ تاریخ ملازاده (در ذکر مزارات بخارا)

○ تألیف: احمد بن محمود المدعوبه معین الفقراء

○ به اهتمام: احمد گلچین معانی

○ ناشر: مرکز مطالعات ایرانی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، شانزده + ۱۱۱ ص.

○ شهرام یوسفی فر



بخارا - مجموعه پای کلان
قرن ۱۲ تا ۱۶ م.

کتاب تاریخ ملازاده در شرح برخی مزارات بخارا است. درباره مزارات شهرها، آثاری دیگر نیز در دست است. برخی از اهل فضل مقیم شهرهای مختلف جامعه اسلامی، اقدام به تدوین کتاب‌هایی در شناسایی و معرفی مزارها و صاحبان معروف آنها می‌نموده‌اند. مهمترین انگیزه‌ای که ایشان را به تألیف چنین کتاب‌هایی برمی‌انگیخت این بود که برخی از شهرهای بزرگ اسلامی، چون محل تجمع و استقرار حلقه‌ها و کانون‌های فرهنگی و علمی و فعالیت اهل دعوت و تبلیغ آن زمان بوده است، اغلب بسیاری چهره‌های مهم و رهبران فکری در آن شهرها جمع می‌شده‌اند. با گذشت زمان مقابر و مزارات متعلق به این افراد مورد احترام عامه مردم، در شهر متراکم می‌شده است، به نحوی که امکان شناسایی دقیق آنها دشوار شده، و لذا گاه وجود مقابر آنان در شهرها بدست فراموشی و نسبیان سپرده می‌شد، در حالی که نام آنها زنده و مورد استناد و یا توسل مردم بوده است.

لذا برخی از اهل فضل با تحریر کتاب‌هایی موسوم به «مزارات»، سعی در توجه دادن و یادآوری نشان و اسامی مقابر هریک از بزرگان مزبور در شهر داشتند. تا زیارت قبور آنان را احیاء کنند.

لذا اکنون کتاب‌هایی درباره تاریخ مزارات شهرهای مختلف در دسترس ما است که علاوه بر ارائه نشانی قبور رجال و دانشمندان و اهل سیاست و کمال یک شهر، به نوعی بسیاری اخبار و روایات و اطلاعات درباره حیات فرهنگی و اجتماعی و مذهبی آن شهرها، ارائه می‌دهند، که در نوع خود مغتنم و ارزشمند است. شاید این‌گونه کارها را بتوان در کنار تاریخ شهرها از منابع «تاریخ محلی» مناطق محسوب کرد.

مؤلف کتاب

از احوال معین الفقراء احمد بن محمود، ملازاده بخاری، مؤلف کتاب، - به تصریح



اکنون کتابهایی درباره تاریخ مزارات شهرهای مختلف در دسترس ما است که علاوه بر ارائه نشانی قبور رجال و دانشمندان و اهل سیاست و کمال یک شهر، به نوعی متضمن اخبار و روایات و اطلاعاتی درباره حیات فرهنگی و اجتماعی و مذهبی آن شهرها است که در نوع خود معتنم و ارزشمند است

خلق بوده‌اند، پس از وفات نیز تقرب به ارواح مقدس آنان همان اثر و نتیجه را با فواید بسیار بیشتری به همراه خواهد داشت.^۲

لذا مؤلف، کتاب خود را با این گونه نیتی شخصی و عقیدتی به رشته تحریر درآورده، کوشیده است قدر و اهمیت هریک از علمای مدفون در شهر بخارا را بازشناسی نماید.^۳ علاوه بر موارد فوق، شاید بتوان انگیزه‌های دیگری را نزد مؤلف بازیافت. وی در برخی مواضع از کتاب خود به خرده‌گیری‌هایی از آداب و رفتار شیوع یافته بین مسلمانان می‌پردازد، مثلاً درخصوص آداب زیارت می‌آورد، باید «... ایستاده زیارت کنند، برگور نشینند و بر گورستان نماز نکنند، و دست بر گور نمانند، و گور را بوسه ندهند که از عادات نصاری است.»^۴ که ظاهراً قصد وی تصحیح برخی رفتارها و عادات ابدعی مردمان در مناسک زیارت قبور بزرگان، بوده است. این فرض درباره قصد وی با دلایل بسیاری که از منابع فقهی و اصولی در این خصوص می‌آورد، تقویت می‌شود.^۵

موضوع کتاب

به گونه‌ای که تا بحال مشخص شده است، و مؤلف تصریح دارد. «... هذا [کتاب] ذکر طائفة من اهل بخارا و نواحیها من العلماء و الکبراء المشایخ المتقدمین و المتأخرین، الذین درست قبور هم و انطمست آثار هم...» (همان کتاب، ص ۱).

روش مؤلف در ارائه مطالب

مؤلف در ارائه مطالب و آگاهی‌ها درباره مزارات بخارا، از شیوه‌های متفاوتی سود می‌جوید. گاه استناد به اخباری که در افواه عامه مردم موجود است، کرده و البته در بسیاری مواضع به نقد و جرح آن اخبار و باورداشت‌ها می‌پردازد. گاه استنادات وی بر اخبار منابع است، مثلاً در یک موضع می‌آورد «... در نسخه کهنه‌یی دیده شده...» (همان، ص ۷۳). استنادات وی از منابع توأم با ذکر نام منبع است، مانند، نقل قول از

مصحح کتاب - اطلاعات زیادی در دست نیست. براساس مطالب کتاب، وی دانشمندی با مشرب عرفانی و از خاندانی بزرگ بوده و در ذکر ائمه شارستانی (ص ۶۶ کتاب) بدین تصریح می‌کند. ظاهراً طبع نظمی هم داشته است. در طریقت، بستگی به خواجه‌گان نقشبندی - حنفی مذهب - بوده و خود را مرید خواجه محمدپارسا (متوفی در ۸۲۲ هـ) می‌داند (ص ۱۷ کتاب).

هدف اصلی مؤلف از تحریر کتاب به تصریح خود وی چند عامل است که درخور توجه و مذاقه‌اند، زیرا بازتابی از حیات روحی و فرهنگی شهرها و جوامع اسلامی می‌باشد. وی نخستین انگیزه خود را در تحریر کتاب «... تقرب به ارواح طیبیه و مشاهده مقدسه علماء دین و مشایخ روی زمین رحمة الله علیهم اجمعین، هر آینه سبب مزید برکات، و واسطه وصول به سعادت دین و دنیاست و توفیق این معنی علامت حصول مرادات و وصول به درجاتست.» و مزارات و مشاهد بخارا و نواحی آن، بسیار است.^۱ علاوه به نظر مؤلف چون وجود علما و مراتب و مقادیر علماء و مشایخ اسلام و اولیاء بزرگ در زمان حیات که در میان مردم زندگی می‌کنند، قدر و اعتبار و ارزش آنها به درستی موردشناسایی مردم قرار نمی‌گیرد، لذا «... فکیف بعد از انتقال و ارتحال از دارفرار به دارقرار، خصوصاً کسانی که حضرت عزت جل ذکره، به ولایت خاصه مشرف گردانیده است، و ظاهر و باطن ایشان را محلی و مزین به تجلیات ذاتی و صفاتی خود کرده، در قباب عزت و حجاب غیرت ایشان را از نظر اغیار پوشیده...» که بنا به حدیث «... اولیایی تحت قبایی لایعرفهم غیری...».

لذا برخی از اینان در زمان حیات و بعد از وفاتشان، احوال و مقاماتشان بر کسی معلوم نمی‌شود. اما برخی دیگر را خداوند به «حکمت بالغه و به فضل رحمت نامتناهی خود...» در بین خلق متجلی می‌کند تا از ظاهر و باطن ایشان خلائق بهره‌مند شوند.^۲ به نظر مؤلف این گروه از علما و اولیاء، همانگونه که در زمان حیات، سبب هدایت



علماء، تقدم دارد. (همان، ص ۱۸)، رابعاً، آنکه شخص مؤلف قصد تبرک کارش را با شروع از شخص شیخ ابوحفص دارد (همان، ص ۱۸-۱۷).

در واقع علت انتخاب مزار برخی بزرگان دین، تحت تأثیر گرایشات دینی و ذهنی او است. مشرب فکری وی سرسپردگی به فرقه نقشبندیه است که این معنی در یاد کرد نیکوی وی از خواجه پارسا محمدبن محمدالحافظی بخاری، متجلی است (ص ۱۷). البته مؤلف مطالعات درخور توجهی در علوم دینی دارد، به گونه‌ای که در بررسی برخی موضوعاتی که قصد تأیید یا رد آنها را دارد سخنان خود را به اقوال فقها و عالمان اسلامی مستند می‌کند،^۹ البته شایان ذکر است که مؤلف با وجود اعتقاد به مشرب و سلسله نقشبندیان، در بررسی خود از مزارات شهر، در مقابل دیگر فرق، قضاوتی منصفانه دارد؛ مثلاً از ائمه اسماعیلیه با احترام یاد می‌کند «... مقبره ایشان بر سر راه خراسان است و من زیارت کرده‌ام.» (ص ۲۹) و درباره اینکه فعلاً مقابر آنان «مندرس» شده و نامعلوم است گوید: «... و این علامت کمال حال و شرف ایشان است...» (ص ۳۰) و این نوع داوری بی‌طرفانه البته ناشی از وضعیتی خاص است.

مؤلف در ذکر اسامی مزارات، البته به گزینشی به ظاهر ناگزیر دست زده است. علل این امر متفاوت است. یکجا گوید «... در آن مقبره (مقبره خواجه پاره دوز) از علماء و مشایخ و سادات بسیارند. رحمهم‌الله.» (ص ۳۹). که چون فزونی تعداد را موجب اطناب دانسته (ص ۵۶) دست به گزینشی ناگزیر در این خصوص می‌زند، این امر در فرازهای مختلف متن کتاب به چشم می‌خورد. (ص ۶۲)

از دیگر روش‌های مؤلف در ذکر و بررسی مزارات، دقتی است که وی در بیان تواریخ تولد یا مرگ افراد به خرج می‌دهد. گاه دقت وی به حد ذکر روز - گاه حتی مواقع مختلف روز و ماه می‌رسد. (ص ۳۶ و سایر مواضع به کرات). به احتمال زیاد مؤلف علاوه بر استفاده از منابع و کتب مربوطه و اشعار ماده تاریخی که درباره افراد

کتاب ربیع الابرار، اثر زمخشری، (همان، ص ۲) و یا تاریخ جهانگشای جوینی (همان، ص ۳) و کتاب اخبار بخارای نرشخی (همان، ص ۴) و غیره.^۷ وی در ذکر روایات خود از منابع غیرمکتوب اغلب، اصطلاح «منقول است» و «گفته‌اند که» را می‌آورد.^۸ منشاء برخی دیگر از مواد ارائه شده در کتاب، تجربیات و مشاهدات شخصی مؤلف است. که البته این مشاهدات نواقصی هم دارد که در جای خود بدان اشاره می‌شود. جدای از موارد فوق، مؤلف در ارائه تاریخ تولد، فوت و یا سایر وقایع مهم زندگی افراد مورد اشاره، استفاده و بهره‌برداری وسیعی از «ماده تاریخ» نموده است که غنا و دقت ویژه‌ای به کار وی بخشیده است.

شکل روایت مؤلف نیز براساس دسته‌بندی حوزه مزارات شهر بخارا در دو دسته کلی است: قسم اول، ذکر قبور اکابری که «... در نفس شهر و در فناء شهر، تا مقدار نیم فرسخ کمابیش... مدفون‌اند؛ و قسم دوم، کسانی که درحوالی و نواحی شهرند در وراء حد مذکور در فوق (همان، ص ۱۷). که این شیوه به مطالب وی نظم و نسقی بیشتر می‌بخشد.

مؤلف در ارائه نشانی و فهرست قبور شهر، از یک روش ساده پیروی می‌کند، وی ابتدا به سراغ قدیمی‌ترین قبور شهر، که طبعاً ایام پس از فتح شهربخارا در دوره اسلامی را شامل می‌شود، می‌رود (همان، ص ۱۶) (وی اصولاً از وجود مقابر متعلق به ادوار قبل از اسلام اطلاعی به دست نمی‌دهد). مؤلف براساس جهات جغرافیایی شهر بخارا، از موضع قبر مشهوری که اینجا مزار خواجه ابوحفص است، شروع کرده، و سپس به معرفی سایر قبوری که در جهات اربعه قبر مبداء قرار دارند، می‌پردازد. وی بنا به دلایلی قبر ابوحفص را مبداء بررسی قرار می‌دهد چون اولاً در حوزه درون شهر بخارا است، در ثانی، «... کسی که از نفس شهر بخارا متوجه قبله می‌گردد، مرقد منور این بزرگوار دین بردست راست می‌شود...» و ثالثاً، از حیث زمانی نیز نسبت به سایر

مؤلف، قبل از ورود به بحث شناسایی مزارات بخارا، مباحثی پیرامون باورداشت‌ها، رفتارهای آیینی و باز تفسیر مناسک زیارت قبور و غیره مطرح می‌کند

یک دوره کامل آداب و اعمال زیارت مزارات را که در قرن نهم هجری در شهر بخارا انجام می‌شده و یا نزدیک به آن بوده است را در این کتاب به تصویر کشیده شده است که برای درک حیات فرهنگی و مذهبی جامعه اسلامی آن روزگار بسیار مفید است

مطالب کتاب تاریخ ملازاده، در وهله اول امکان شناسایی نخبگان فرهنگی یک شهر اسلامی - بخارا - در قرون میانه تاریخ ایران را فراهم می‌آورد

نیز تاریخ‌نویسی به معنای مصطلح آن نیست. لذا عنوان فرعی کتاب مهم‌تر از عنوان اصلی آن است.

چاپ اول کتاب توسط انتشارات ابن سینا در ۱۳۳۹ منتشر شده است. اما چاپ جدید کتاب در ۱۳۷۰ توسط مرکز مطالعات ایرانی، به صورت افست انتشار یافته است. عدم درج نشانی ناشر در چاپ حاضر ابهامات و حتی سوءتفاهماتی مبنی بر چاپ صرفاً افست کتاب بدون انجام اصلاحات^{۱۳} به وجود می‌آورد که چون موضوع فرعی بحث نوشتار حاضر است از آن در می‌گذریم.

درخصوص روایت و زبان متن چند نکته شایان ذکر است: روایت مؤلف در ابتدا براساس اینکه موضوع سخن وی در گستره‌ای جغرافیایی قرار دارد، طبعاً از آسیب‌پراکندگی زبان می‌دیده، که این امر سبب گردید، به تقطیع بحث و ارائه آن در دو گفتار که از تقسیم‌بندی حوزه جغرافیای شهر هرات پیروی می‌کند، بپردازد. باتوجه به شرایط ذهنی و اجتماعی مؤلف، زبان وی از یک سری عناصر ثابت و مشخص تشکیل شده است که فهم این عناصر گفتار در امکان تحلیل و فهم ساختار متن و روایت وی را تسهیل می‌کند.

با بررسی علی که مؤلف دربارهٔ تحریر کتاب ذکر می‌کند، و نیز ارزیابی‌های وی درخصوص مقابر بزرگان فرقی مختلف اسلامی^{۱۴}، و نیز دل‌بستگی‌هایی که وی در خلال سخنان خود به اهل تصوف نشان می‌دهد، همگی دال بر وجود عناصر گفتمانی خاصی در دستگاه ذهن و سخن او است.

از دیگر خصایص زبان متن مؤلف، می‌توان به روایت نایکدست وی اشاره کرد. گاه که وی به مقابر اشخاص معروفی می‌رسد، ناگهان روایت‌های فرعی و یا مضامین جدیدی را که شامل ذکر سجایا، فضایل و یا سخنان و سرگذشت‌نامه افراد است را می‌آورد. این امر گاه دربارهٔ رجال سیاسی و دیوانی چون آل سامان (صص ۲۵-۳۸ و آل برهان (صص ۵۴-۴۵) به حد افراط خود می‌رسد.^{۱۵} تفریط مؤلف در ارائه مطالب موضوع مورد بررسی خود را در امتناع وی از بررسی شخصیت‌های شافعی و غیره می‌بینیم. در نهایت می‌توان ویژگی زبانی متن کتاب که به نیمه اول قرن نهم هجری قمری تعلق دارد را، مدنظر قرار داد که حجم خاصی از لغات، اصطلاحات و ترکیبات دستوری و گاه تعابیر مهجور و نامستعمل زبان فارسی را در خود جای داده است. بدین لحاظ انتشار این کتاب از بسیاری جهات مفید تواند بود.

در متن کتاب، نکته دیگری که به چشم می‌خورد بحث قبور و مزار است. متأسفانه در این جا مجال بحث مفصل دربارهٔ مفاهیم و معانی قبر و زیارت و غیره نیست. اما در حد اشاره باید متذکر شد که قبر کلمه‌ای عربی و معادل گور ایرانی و به معنی محل دفن شخص متوفی است. در حالی که مزار - که این کلمه نیز عربی است - به معنای مکانی است که زیارت می‌شود و سپس به معنای گور و آرامگاه هم استعمال می‌شود.^{۱۶} براساس نامگذاری کتاب که «در ذکر مزارات بخارا» است، مقصود مؤلف و براساس وضعیت ذهنی و اندیشه‌گی وی می‌توان استنباط کرد که منظورش از مزار، قبوری بوده است که براساس شأن مدفون‌شدگان در آن قبور، همچون مکان زیارت مردمان به شمار می‌روند.

از این رو است که در متن، قبل از ورود به بحث شناسایی مزارات بخارا، مباحثی پیرامون باورداشت‌ها، رفتارهای آیینی و باز تفسیر مناسک زیارت قبور و غیره مطرح می‌کند. بحث وی در علت زیارت قبور علما و اهل‌دین که نیل به هدایت از طریق توسل به «ارواح طیبه و مشاهد مقدسهٔ علماء دین و مشایخ روی زمین...» است (ص ۱) و تأکید مجدد وی بر این معنا در سایر مواضع کتاب (ص ۱۶-۱۵)، و بسیاری استنادات

موردنظر سروده شده،^{۱۷} از اطلاعات مندرج بر روی سنگ‌های مقابر، نیز استفاده کرده است.

متن و ساختار کتاب

مؤلف مطالب کتاب را براساس روشی منطقی و حساب شده تنظیم نموده است که ذکر اجزاء کتاب خودبخود شیوه گسترش موضوعات و طرح بحث مؤلف را نشان می‌دهد.

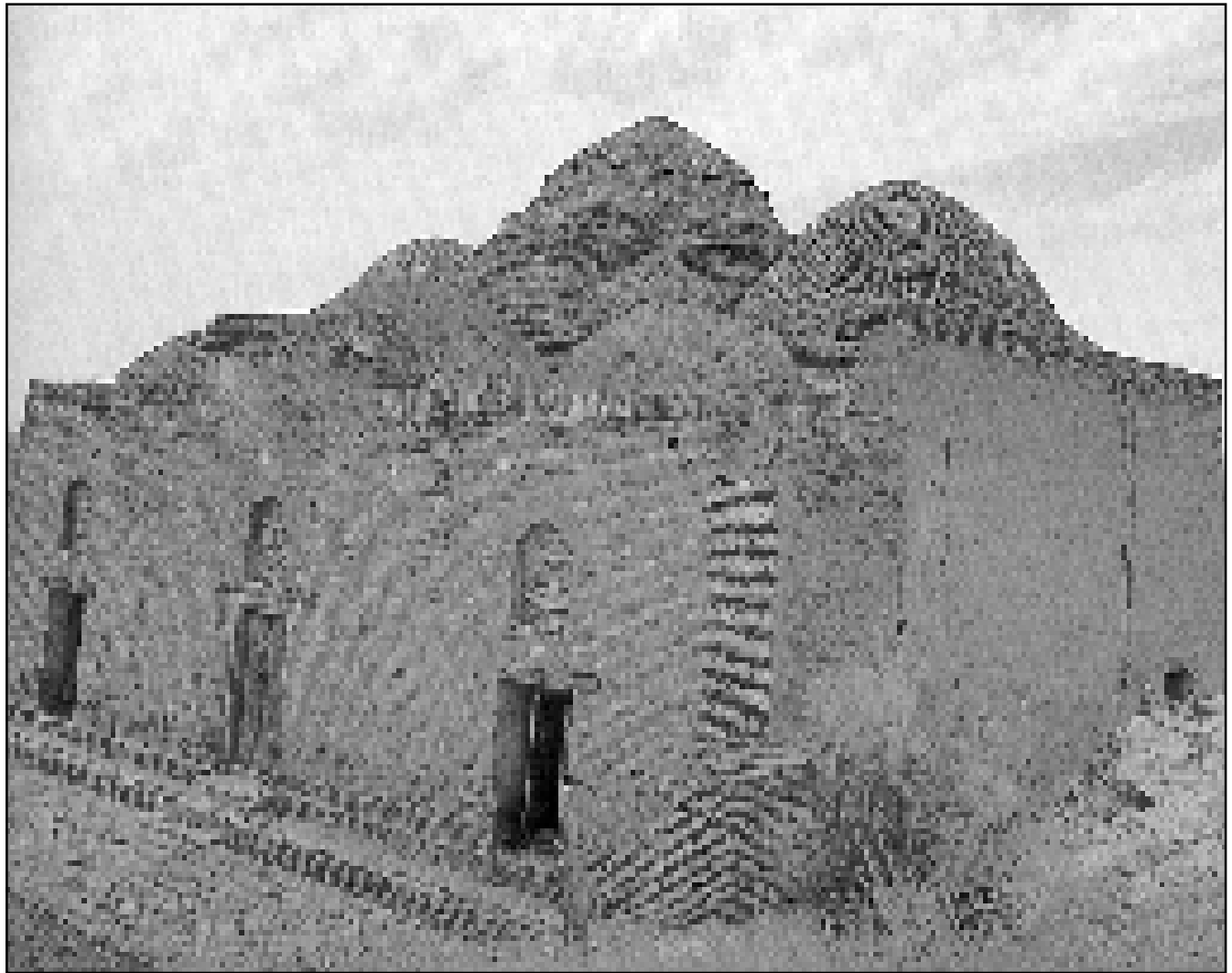
جدای از مقدمهٔ مصحح، که در جای خود بررسی خواهد شد - و بخش جغرافیای بخارا و نواحی آن^{۱۸}، متن کتاب تاریخ ملازاده، با دیباچه‌ای دربارهٔ قضیهٔ مرگ و زندگی، شروع، سپس موضوع کتاب معرفی و اهمیت این موضوع جهت عامه مردم تشریح شده و مؤلف هدف خود از پیش کشیدن این موضوع را توضیح می‌دهد (ص ۱). سپس تاریخچه‌ای از شهر بخارا و پیشینهٔ تاریخی آن از منابع مختلف ذکر می‌شود (ص ۳-۲)، آنگاه ذکر مقابر انبیاء در بخارا می‌آید (ص ۵-۴).

مؤلف در قسمت بعدی مطالب خود که با «فصل» «فی جواز زیارة اهل القبور للرجال و للنساء»، مشخص می‌شود، با استناد به کتب فقهی و اصولی علمای اهل سنت و نیز احادیث رسول، بحث زیارت قبول مسلمانان و ابعاد این عمل را به تفصیل بررسی می‌کند. (ص ۹-۶). در «فصل» بعدی، مسئلهٔ نحوهٔ زیارت قبور مسلمانان تحت عنوان «فی کیفیت زیارة القبور» که به دوزبان عربی و فارسی آمده است را به بحث مفصل نشسته و اقوال و احادیث و آداب زیارت و مواردی که باید از انجام آنها در زیارت قبور پرهیز کرد را با مستندات خود می‌آورد. (ص ۱۵-۱۰)

در فصل بعدی که عنوان مشخصی ندارد، بحث مهم خود دربارهٔ این مسئله که علمای جامعه اسلامی از نظر شناخت نزد مردم چند دسته‌اند و علت زیارت قبور علما، را به بحث می‌گذارد. سپس به شرح هدف و چهارچوب ارائه مطالب پرداخته و ترتیب ذکر مقابر را که در دو قسم کلی مزارات «داخل شهر و حوالی شهر تا فاصله نیم فرسخی» و قسم دوم که «مزارات حوالی و نواحی شهر» اند، را می‌آورد. (ص ۱۷-۱۵) در گفتار بعدی، «القسام الاول» به ذکر مقابر اکابری که در حوزهٔ موردنظر جای می‌گیرند می‌پردازد که براساس نظامی جغرافیایی و تاریخی مشتمل است بر: «مزارات تل خواجه» (ص ۲۰-۱۸) «مزارات ائمه صفاریه» (ص ۲۳-۲۰)، «مزارات چشمه ایوب (ع)» (ص ۲۵-۲۳) «مزارات سلاطین سامانیه رحمهم الله» (ص ۳۰-۲۵)، «مقبرهٔ ستاجیه» (ص ۳۴-۳۰) «مزارات حوض مقدم» (ص ۳۶-۳۴)، «مزارات سبذمون» (ص ۳۸-۳۶) «مقبرهٔ خواجهٔ پاره‌دوز» (ص ۴۰-۳۸).

مؤلف در «قسم دوم» گفتار خود، از «مزارات روح پرور روح‌انگیز فتحاباد» که نزد مؤلف ارج و قربی زیاد دارد - علت آن گفته خواهد آمد - شروع (ص ۴۰) و به بررسی مقابر ذیل می‌پردازد: «مقبرهٔ تل صدور» (ص ۴۴) «مقبرهٔ صدور معظم آل برهان» (ص ۵۴-۴۵) «مقابر تل بغرابیگ» (ص ۵۴-۵۶) «مزار قضاة سبعمه» (ص ۶۲-۵۶) «مزار ائمه عقیلی» (ص ۶۶-۶۲) «قبور ائمه شارستانی» (ص ۷۵-۶۶) و در نهایت تکلمهٔ حواشی مصحح آمده است، (ص ۹۱-۷۷). و فهرست نام‌های کسان و خاندان‌ها و طایفه‌ها و اماکن و اعلام جغرافیایی (ص ۱۱۱-۹۲). (تحلیل محتوای این دو قسم مقابر و مزارات در بقیهٔ بحث خواهد آمد). حال به ذکر برخی استدرکات از متن کتاب مورد بررسی می‌پردازیم.

نکته قابل توجه درخصوص محتوای کتاب، عدم تطابق آن بانام کتاب است. عنوان تاریخ ملازاده، در ابتدا به ذهن، کتابی با محتوای تاریخی را متبادر می‌کند. در حالی که محتوای کتاب بررسی و شناسایی مزارات بخارا که گاه تاریخچه‌های مختصری در برخی موضوعات را نیز به همراه دارد می‌باشد. از سوی دیگر اصولاً هدف مؤلف

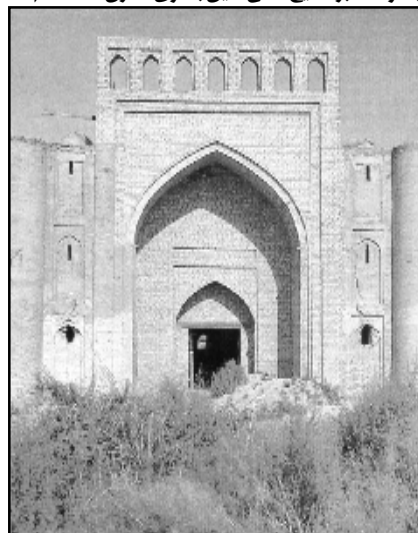
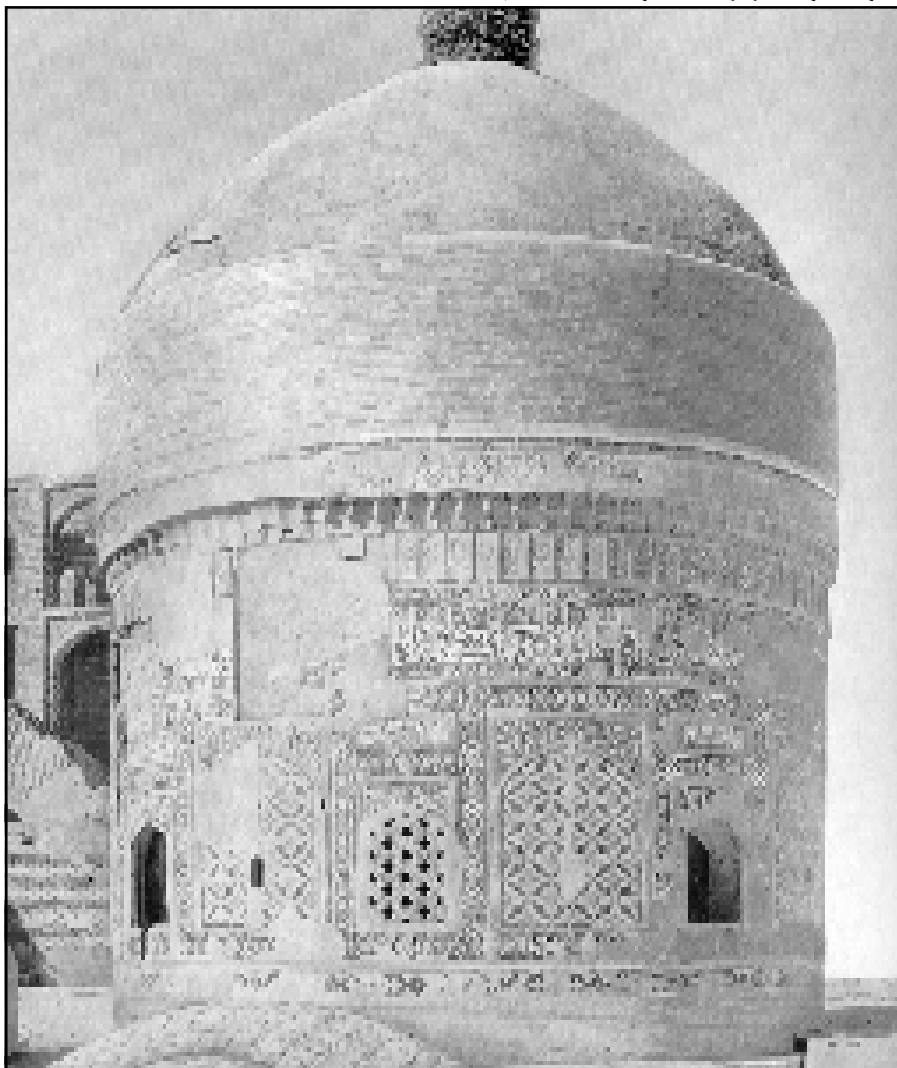


می توان ویژگی زبانی متن کتاب که به نیمه اول قرن نهم هجری قمری تعلق دارد را، مدنظر قرارداد که حجم خاصی از لغات، اصطلاحات و ترکیبات دستوری و گاه تعابیر مهجور و نامستعمل زبان فارسی را در خود جای داده است. بدین لحاظ انتشار این کتاب از بسیاری جهات مفید تواند بود

به احتمال زیاد، مؤلف علاوه بر استفاده از منابع و کتب مربوطه و اشعار ماده تاریخی که درباره افراد مورد نظر سروده شده، از اطلاعات مندرج بر روی سنگ های مقابر نیز استفاده کرده است

را می خواند. لازم است ابتدا زیارت را از مقابر انبیاء و یا اگر مویی از رسول (ص) در قبری است (ص ۱۲) زیارت را از آنجا شروع نماید. از جمله آداب زیارت آن است که ایستاده باشد و نشستن بر گور، نماز کردن بر گورستان، دست مالیدن و بوسیدن گور مجاز نیست (ص ۱۳-۱۲). پر از ورود به مقبره سلام گویند «... السلام علیکم یا اهل القبور من المومنین و المومنات...» (ص ۱۳) سپس تکبیر بسیار گویند. در قبوری که موی رسول (ص) در آن است، به تعظیم ایستاده و ذکری گویند (ص ۱۴) و سپس شروع به خواندن فاتحه الکرسی و یس و آخر سورة الحشر و تبارک الذی بیده الملك و سپس معوذتین و سورة الفاتحة نماید. سپس دعا کنند «... اللهم اغفرلی ولوالدی و لجميع المومنین و المومنات». و سپس «... اللهم تقبل منی تلاوة هذه السور و...» الی آخر. (ص ۱۴) باز بر سر تربت از اول سورة بقره تا «ولهم عذاب عظیم» را خوانده و «امن الرسول» را تا آخر خوانده و روی به قبله کرده گوید «... سبحان من تعزز بالقدرة و البقاء و مهتر العباد بالموت...» الی آخر

که مؤکد لزوم زیارت قبور بزرگان دین است «... هر که زیارت کننده باشد، بر گذشتگان را، فرشتگان بعد از وفات او، او را زیارت کنند...» (ص ۱۱) و فوائدی ملموس تر که بر این عمل مترتب است «... و زیارت ایشان در کفایت مهمات اثر عظیم دارد...» (ص ۷۱) و غیره، باعث می شود عمل زیارت همچون رفتاری آیینی و مقدس و دینی، دارای شرایط امکانی و آمادگی روحی و غیره باشد، که مؤلف پس از بررسی مفصل توصیه این عمل توسط بزرگان دین (ص ۹-۶) زمان مناسب برای انجام زیارت مزارات را «... در آخر روز جمعه و پیش از برآمدن آفتاب، روز شنبه و دوشنبه و پنج شنبه...» و در اوقات متبرکه چون روز عاشورا^{۱۲} و روز عرفه و غیر آن...» (ص ۱۱-۱۰) و (ص ۱۲) دانسته و سپس به تشریح آداب درست زیارت مزارات می پردازد، وقتی زیارت کننده از خانه بیرون می آید، ذکری که لیبیک بر وحدانیت خدا است «... لا اله الا الله، وحده لا شریک له...» (ص ۱۲) را شروع و در راه به نیت آن «مزور» صدقه دهد، سپس بر در مقبره ذکر ورود به مقبره «... اللهم انی اسألك خیر مدخلی و...» (ص ۱۲)



بخارا - مسجد نمازگاه - قرن ۱۱ تا ۱۶ م.



۹- برخی از مزارات افراد مشهور در روستاهای اطراف بخارا قرار داشته است، (ص ۲۸).

۱۰- در احصاء و مقایسه مزاراتی که در قسم دوم کتاب آمده است، بیشتر مقابر خارج از شهر اختصاص به مشایخ متصوفه داشته است (مثلاً ص ۴۰ به بعد).
۱۱- اکثر مزارات در سرراه‌ها و دروازه‌ها و محل تلاقی راه‌ها و یا نزدیکی مساجد و اماکن مهم مشابه بوده است.

مزایای کتاب

در این بخش از سخن خود سعی می‌کنیم برخی مزایا و فوایدی که از خواندن این کتاب حاصل می‌شود را اشاره‌وار تذکر دهیم.

مطالب کتاب تاریخ ملازاده، در وهله اول امکان شناسایی نخبگان فرهنگی یک شهر اسلامی در قرون میانه تاریخ ایران را فراهم می‌آورد. میزان سلطه و نفوذی که شخصیت، افکار و سیره شخصیت‌های بزرگ و مورد اشاره در کتاب در جامعه آن روزگار داشته‌اند، از خلال ارزیابی‌ها و قضاوت‌های مؤلف، قابل ارزیابی است.

تلاشی که مؤلف گاه در بررسی ارتباط صاحبان قبور با همدیگر و یا ذکر انساب علما و یا احفاد آنها نشان می‌دهد، برای تمییز و تدقیق در سلسله نسب و نسبت‌های خاندانی، شخصیت‌های شهر بخارا مفید است. (یک مثال، در ص ۳۱)
شرح مولانا سیف‌الدین ستاجی است که همراه با ذکر اولاد وی تالیفات مختلف وی را نیز می‌آورد).

مجموعه مطالبی که مؤلف در تشریح آداب و شرایط زیارت مزارات مسلمانان آورده است، در واقع نمونه تشریح یک سنت و رسم در جامعه اسلامی است. با این تذکر که مؤلف تلاش دارد شکل صحیح و درست اجرای این سنت و رسم رانیز ترویج دهد.

(ص ۱۴) و سپس دعا کند «اللهم رب هذه الاجساد البالية والعظام النخرة و...» الی آخر (ص ۱۵- ۱۴).^{۱۷}

بدین‌گونه یک دوره کامل آداب و اعمال زیارت مزارات که در قرن نهم هجری در شهر بخارا انجام می‌شده و یا نزدیک به آن بوده در این کتاب به تصویر کشیده شده است که برای درک حیات فرهنگی و مذهبی جامعه اسلامی آن روزگار بسیار مفید است.

و اما چند استدراک دیگر: ۱- در بسیاری از مزاراتی که شرح شده، مقابر شاگردان در نزدیکی مزارات اساتیدشان قرار گرفته است، (بعنوان مثال رک ص ۱۹).

۲- به احتمال قبور اشخاص متعین و معظم با قبور سایر افراد تفاوت‌هایی داشته است.

مؤلف در یکجا که چنین نبوده است، تأکید دارد. (ص ۴۵).

۳- گاه برخی مزارات از شکوه و شکل ظاهری ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند مثلاً، در مقبره خواجه سراجگان «... مزار ایشان قوی با هیبت و عظمت و سیاست است...» (ص ۳۹).

۴- گاه در تیمچه مدارس هم مقابری وجود داشته، مثلاً «... در تیمچه مدرسه خان حظیره الفضلاست...» (ص ۷۰).

۵- تدفین اولاد افراد در جوار پدر یا اجداد خود رسمی مؤکد بوده است. (مثلاً ص ۳۶).

۶- لذا برخی مزارات حالت خانوادگی دارند. (ص ۲۳ و ۲۴).

۷- گاه برخی اصحاب - مریدان - شیخ در نزدیکی وی مدفون بوده‌اند (ص ۴۳).

۸- گاه مقابر زنانه نیز، که ظاهراً اختصاص به خاندان‌های مهم داشته است، دیده می‌شود، (ص ۴۵).

به مناسبت ارائه نشانی مزارات مورد نظر، گاه نام مساجد، محلات، حوض ها و دروازه های شهر بخارا و سایر فضاهای تاریخی شهر بخارا ذکر می شوند... که امروزه جهت بازسازی فضای تاریخی و جغرافیایی شهر هرات بسیار به کار می آیند

مؤلف در خلال مطالب خود درباره شخصیت های مدفون در مقابر، از کتابها و مصنفات آنان ذکری به میان می آورد

از جمله ویژگی های شاخصی که در کار مؤلف به صورت جدی بدان پرداخته شده است. طرح و بررسی و گاه نقد و تشکیک در برخی روایات مشهور درباره مکان و محل قبر و مزار برخی بزرگان است

در توضیحات مؤلف در بخش های مختلف، گاه درباره آداب تدفین و باورداشتهای مردم آن روزگار درباره وضعیت مردگان پس از رحلت از عالم مادی، مطالبی جالب بدست می آید. وصایای شخص متوفی درباره قبر خود (ص ۷۳) و یا تدفین برخی اشیاء متبرک همراه شخص، مانند موی پیامبر (ص) و غیره (ص ۶۰) از این جمله اند. از جمله ویژگی های شاخصی که در کار مؤلف به صورت جدی بدان پرداخته شده است طرح و بررسی و گاه نقد و تشکیک در برخی روایات مشهور درباره مکان و محل قبر و مزار برخی بزرگان است. در خصوص قبر حضرت ایوب (ع) ابتدا قول مشهور که قائل به وجود قبر وی در بخارا است را نقل می کند و سپس می آورد «... اما قول صحیح آن است که مرقد مطهر ایوب علیه السلام اینجا نیست...» و قول محیی الدین نوری را در تائید سخن خود نقل می کند (ص ۶ - ۵). در نقد اعتقاد و قول عامه به وجود مزارات صحابه و تابعین در بخارا، گوید، برخلاف آنچه که «... در میان عوام بخارا شهرت یافته است، از کتب معتبره اهل نقل، خلاف آن فهم می شود...» (ص ۱۶). درباره مزار فرزندان عثمان در بخارا (ص ۱۹ - ۲۰) (و نیز مورد مذکور در ص ۷۳ و ۷۴). اما قول وجود ترموی حضرت رسول (ص) در مزار برخی افراد در آنجا را مورد پرسش وی قرار نمی گیرد (ص ۱۲) علیرغم برخورد نقادانه مؤلف با روایاتی که مزارات افراد مشهور را در بخارا می داند، باز زیارت آن قبور را مجاز می شمرد، و استدلال می کند که «... هر که به نیت زیارت عزیزی و بزرگی به ترتیبی برسد، و اعتقاد او آن باشد که آن بزرگ آنجا مدفون است، و واقع چنان نبود، فیض و مدد آن بزرگ بدور رسیده است، بی نقصان برسبیل کمال، چرا که در عالم ارواح قرب و بعد یکسان است...» و سخن را مستند به قول خواجه پارسا محمدبن محمد الحافظی التجاری استاد خود می نماید، که مزارات شهرت یافته به نام بزرگان را - هر چند در واقع چنین نباشد - لازم و واجب است که زیارت کننده آن را معظم و مکرم دارد تا از برکات روحانیت وی برخوردار شود (ص ۱۷ - ۱۶). از خلال مطالب مؤلف کتاب، امکان درک و بازسازی سلسله روابط استادی و شاگردی بسیاری از شخصیت ها امکان پذیر می نماید. (مثلاً ص ۶۷). گاه سلسله روحانی و عرفانی عده ای از مشایخ و شاگردانشان نیز آورده شده است (ص ۱۸ و ص ۳۰).

بسیاری رفتارها و باورداشتهای اقشار عامه و یا نجبان فرهنگی و اجتماعی بخارا در این زمان نیز از خلال مطالب کتاب بدست می آید. تاکیدات مؤلف بر اینکه در زیارت قبور معجزاتی است (ص ۳۵) و یا آنکه کرامات صاحب مقبره و حالاتی که به افراد زیارت کننده قبور آنان دست می دهد (ص ۲۱)، نشانگر طرز تلقی و باورداشتهای مردم نسبت به صاحبان مزارات است. نقدی که مؤلف بر برخی رفتارهای در طی زیارت مقابر بزرگان وارد می کند (ص ۱۲ - ۱۳) نشانگر عدم توافق اقشار فرهیخته با باورداشت و رفتار قشرهای عامه مردم شهر در این خصوص بوده است. بی توجهی به برخی مقابر و بروز خرابی ها و تخریب در برخی مقابر بزرگان دینی که در زمان مؤلف عقایدشان مذموم پنداشته می شده اند نیز نشانگر رفتار هر دو بخش نخبه یا عامه مردم با مزارات آن افراد است مثلاً ر.ک: ص ۳۰، و یا ص ۵۸). گاه برخی عوام به نیش قبر برخی مقبره ها دست می زدند که مزار امام رکن الدین ماضی و اعقاب دچار آن شده است (ص ۶۹) و البته این امر نشانگر رفتار خاص به قول مؤلف «جهلا وسفها» یا قبور مخالفان فکری خود بوده است. و در نهایت آنکه توسل به مزارات علمای دین جهت استمداد از روح آنها و نیل به هدایت با توسل به آنان است (ص ۵۶) که این نظر مؤلف، یکی از علل مهم اقبال مردم به روحانیت مذاهب را نیز تحلیل می کند.

و در نهایت آنکه در این کتاب مؤلف یک دوره کامل آداب زیارت مزارات مهم جامعه اسلامی را آورده است.

مؤلف در بررسی و تشریح برخی مزارات، اشاره ای نیز به وضعیت فعلی آنها - زمان حیات مؤلف - دارد. در مواردی که مزار شیخ یا پیری از رونق و اقبال زوار زیادی برخوردار است، مؤلف تذکری این گونه دارد که مقبره مثلاً ابوبکر محمد بن احمد الاسکاف «...مجمع ابدال و اوتاد و سیاح و عبادت...» (ص ۳۹ - ۳۸). این نوع اشارات امکان بازسازی و تحلیل حیات اجتماعی - فرهنگی شهر و جریانهای فکری و فرهنگی موجود در آن را ممکن میسازد.

به مناسبت ارائه نشانی مزارات مورد نظر، گاه نام مساجد، محلات، حوض ها (مانند حوض کمرگران، ص ۶۹) و دروازه های شهر بخارا (دروازه سمرقند، ص ۷۲) و سایر فضاهای تاریخی شهر بخارا ذکر می شوند، که احتمال امروز اثری از آنها باقی نمانده باشد. و البته امروزه جهت بازسازی فضای تاریخی و جغرافیایی شهر هرات بسیار به کار می آیند مؤلف در اغلب مواقع، روز، ماه، سال تولد یا مرگ صاحبان قبور را ذکر می کند گاه واقعه ای مهم را که مقارن تاریخ مورد نظر او بوده است را نیز ذکر می کند. بعنوان مثال وی گوید «... مولانا کمال الدین... در روز غره رجب سنه احدی و سبعین و ستمائه (۶۷۱) که روز اول غارت بخارا بوده بر دست کفار (مغول) شهید شد.» (ص ۳۳)

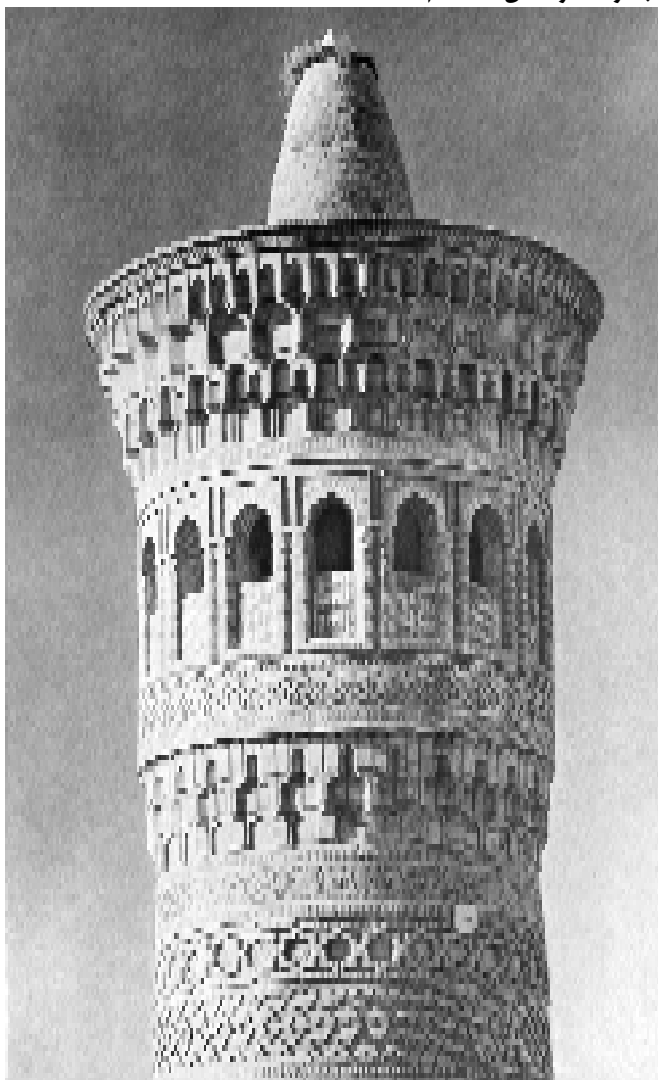
مؤلف در ارائه برخی آگاهیها و اطلاعات از صاحبان قبور در دست بررسی خود، گاه مواد تاریخی بدست میدهد که جهت بررسی تاریخ نهادها و حیات اجتماعی جامعه اسلامی بسیار مهم بشمار میروند. چرا که به دلیل پرداختن به امور و ساخت شخصی و گاه اجتماعی گروههای اجتماعی، این اطلاعات جزئی و دقیق و عینی اند. مثلاً درباره حمله مغول و مهاجرت علما (ص ۳۱) تاریخ تاسیس برخی عمارات شهر بخارا بدست افراد مختلف، مثلاً شمس الملک (ص ۳۸) و یا تاسیس خانقاه شهر (ص ۵۴) و اطلاعاتی از این دست که جهت درک روابط افراد متنفع اجتماعی با حاکمان مصر و حیات سیاسی شهرها (ص ۱ - ۶۰) مفید واقع می شوند.

از این دست اطلاعات و آگاهیها که به مناسبت سخن ارائه می شوند، امکان تدقیق و فهم درست تر مسائل حیات اجتماعی گروههای مذهبی و سایر اقشار جامعه شهری را در آن ایام، فراهم میآورد ذکر مطالبی در سلوک شخصی و ریاضت عرفا (ص ۵۴ و ص ۶۱) روابط صوفیان و مردم جامعه (ص ۶۱ - ۶۰)، و یا عدم اقبال مردم به برخی از صاحبان مقابر که از شهرت خوبی هم برخوردار بوده اند (مانند ائمه شافعی - ص ۵۸) در زمره ویژگی یاد شده کتاب هستند.

گاه در خلال مطالب کتاب اطلاعاتی درباره محللهای استقرار و جایگاهی علمای دین و ارتباط آنها با مقابر موجود در بخارا، ارائه شده است که امکان بررسی و تدقیق در مسئله تحرک اجتماعی و مکانی علما و متصوفه در آن زمان را نشان میدهد. (مثلاً ص ۳۱) گاه روابط مشایخ و علمای بخارا با علمای سایر بلاد نیز به مناسبت ذکر مقابر هر کدام از آنها آورده می شود. (ر.ک ص ۳۲)

مؤلف در خلال مطالب خود درباره شخصیت های مدفون در مقابر، از کتابها و مصنفات آنان ذکری به میان میآورد. (مثلاً درباره کتب مولانا جمال الدین ستاجی - ص ۳۱). البته اهل فضل بودن مؤلف دل بستگی وی به این موضوع را سبب شده است.

بسیاری اطلاعات دقیق که درباره زمان مرگ، و مکان دفن افراد در کتاب وجود دارد، آن را به مرجع قابل اتکالی جهت نقد روایات سایر منابع در این خصوص تبدیل می کند. مثلاً روایت وی درباره زمان مرگ و مدفن آل سامان (ص ۷ - ۲۶) قابل توجه است.



برخی کاستی‌ها و نارسائی‌ها:

فقدان فهرست فصول و مطالب کتاب، خود عیبی محسوب می‌شود که بررسی اولیه کتاب را با دشواری مواجه می‌کند. و لازم است در چاپ مجدد کتاب در نظر گرفته شود. مولف با گرایش خاص به مشرب تصوف، احتمالاً در گزینش و توضیح موضوع مزارات و قبور ناخودآگاه قدری جانب‌داری به خرج داده است. تاثیر عقاید و باورداشت‌های مولف در بررسی مطلب و قضاوت درباره مسائل البته کاملاً مشهود است.

از آنجا که مولف از ابتدا موضوع وهدف خود را در پرداختن به این کتاب مشخص کرده، لذا بسیاری مطالب دیگر درباره کلیه مسائل مربوط به مراسم تدفین و قبور و آئین‌های پس از آن مانند سوگواری نیامده است. که اگر چنین می‌شد یک کتاب اختصاصی درباره «مراسم سوگ» در دست داشتیم.

چون مولف به ذکر مزارات بخارا پرداخته است، اگر پسوند‌های اسامی برخی اشخاص و یا توضیحات روشن‌کننده مولف نباشد، خواننده متوجه نمی‌شود که شخصیت‌هایی که خصایص مزارات تشریح می‌شود، آیا اهل بخارا بوده‌اند یا نه، فقط بنا به علی به بخارا آمده و در این شهر وفات یافته‌اند. و حتی برعکس بسیاری از فضلا و دانشمندانی که اهل بخارا بوده‌اند، ولی در خارج از شهر بخارا فوت کرده و دفن شده‌اند، نیز نیامده است. البته چون مولف از ابتدا اشاره کرده و خود را محدود به مزارات بخارا کرده است. این ایراد بر وی کمتر وارد است، ولی البته قابل ذکر است.

براساس نوع مطالعات و دل بستگی علمی مولف، وی در ارائه مطالب کتاب خود از منابع خاصی بهره جسته که بیشتر منابع غیر تاریخی است (معلوم نیست که اگر او از کلیه منابع تاریخی مربوط استفاده می‌کرد حجم مطالب وی چقدر می‌شد) - البته وی از کتب تاریخ بخارای نرشی و جهانگشای جویی و غیره بنا به موفقیت استفاده کرده است - آنچه وی را در این امر محدود می‌کند، روش ارائه مطلب است. وی به شناسائی و ذکر مشخصات صاحبان قبور شهر بخارا می‌پردازد و در واقع کاری کتابخانه‌ای انجام نمی‌دهد، تنها در موقعی که نیاز به تدقیق در ماهیت شخصیت، یا قبری هست به سراغ سایر منابع می‌رود به عبارت دیگر وی جمع‌آوری اطلاعات خود را از کتابها شروع نمی‌کند.

نکاتی درباره تصحیح کتاب و مصحح آن

در خصوص روش کار و ارزیابی کار مصحح کتاب چند نکته را به اختصار متذکر می‌شویم:

مصحح محترم در بررسی نسخ خطی موجود از متن تاریخ ملازاده، به ارائه آگاهی‌های عمومی درباره نسخ مزبور، مکان نگه‌داری آنها، ویژگی‌های شکلی و احتمالاً کتاب هر نسخه و نیز مکان تحریر نسخه، می‌پردازد. و سپس با ارائه دلایلی سعی می‌نماید نسخه قدیمی‌تر و معتبرتری را بعنوان نسخه پایه تصحیح خود انتخاب کند که نسخه تاریخ ملازاده مضبوط در مدرسه سپهسالار است (ص پنچ).

ایشان سایر نسخ موجودی را که موفق به دیدن آن نشده است را نیز معرفی می‌نماید. بررسی تطبیقی چاپ سنگی این اثر که در بخارا انتشار یافته با نسخ خطی در دسترس، و تذکر نواقص آن، از کارهای شایسته مصحح محترم است.

ایشان سپس شرحی درباره شیوه تصحیح نسخه خطی ارائه می‌کند و متذکر می‌شود افتادگی‌های متن نسخه سپهسالار را در بین دو قالب قرار داده و اشتباهات کتاب را با روش تصحیح قیاسی، اصلاح کرده است. (ص پنچ).

مصحح در توضیح روش حاشیه نویسی خود، ابتداءلائم اختصاری نسخ مورد مقایسه را ذکر کرده، و سپس محورهای حاشیه‌های کتاب را که شامل شرح لغات و اصطلاحات، ذکر نام مولفین کتب مذکور در متن کتاب و تعریف اماکن و برخی توضیحات و معرفی

بیشتری از رجال و ذکر تاریخ ولادت و وفات آنها است، «... هر جا که لازم می‌نموده و بدانقدر که مقدور بوده...» ارائه می‌نماید. (ص هشت). این توضیح مصحح نشانگر آن است که ایشان بنابر روش معمول تصحیح نسخ خطی، عمل کرده‌اند. هر چند می‌شد بیشتر و فراتر به امر تصحیح - حتی از منظر روش سنتی - نیز پرداخته شود. وی درباره تصحیح رویه کتاب نسخه خطی نیز که با آن مواجه است، شرحی می‌دهد (حاشیه ش ۴).

حواشی مصحح که جهت مفهوم کردن و توضیح ابهامات متن و اشخاص و اماکن آورده شده است، دارای مزایای بسیاری است. مثلاً پاورقی ش ۱ (ص ۱۱) مصحح در نقد روایات تاریخی سودمند واقع می‌شود و از تبادل تفسیر و برداشت نادرست در ذهن مطالعه‌کننده کتاب جلوگیری می‌کند. ذکر مطالب حواشی از کتب اصلی و معتبر، بیشتر بر غنای کار مصحح می‌افزاید. گاه حواشی مصحح جنبه محققانه و پژوهشی نیز می‌یابد. (حاشیه ۲، ص ۳۷) گاه تلاشهای مصحح جهت پی‌گیری نقل قول‌هایی که مولف از کتب مختلف نموده است، بسیار در خور توجه جلوه می‌کند. (مثلاً در حاشیه ش ۲، ص ۴ این اقسام وی مشخص است).

عمل مصحح در آوردن ترجمه حدیث رسول (ص) - مستند در متن کتاب - از متن تاریخ بخارای نرشی، نیز در خور توجه است (حاشیه ش ۴، ص ۳).

نکته مهم درباره حواشی مصحح، آن است که ایشان بهتر بود حواشی مفصل خود در موضوعات مورد نظر را به آخر کتاب منتقل می‌کردند. بسیاری شرح‌های مفصل که درباره رجال مختلف به ضرورت متن آورده شده است، (مانند پاورقی ش ۱، ص ۲) و یا شرحی که درباره نواحی مختلف مذکور در کتاب ارائه شده (مانند شرح راجع به فرغانه، حاشیه ش ۲، ص ۲ و یا حاشیه ش ۱- ص نه) و غیره، می‌بایست در انتهای کتاب و بخش ضمائم می‌آمد. گاه برخی از توضیحات مصحح در حواشی

مؤلف در ارائه تاریخ تولد، فوت و یا سایر وقایع مهم زندگی افراد مورد اشاره، استفاده و بهره برداری وسیعی از «ماده تاریخ» نموده است که غنا و دقت ویژه‌ای به کار وی بخشیده است

مشرب فکری وی سرسپردگی به فرقه نقشبندیه است که این معنی در یاد کرد نیکوی وی از خواجه پارسا محمدبن محمد الحافظی بخاری، متجلی است

کشورمان افزوده گشته است. ارائه حدود ۱۶۰ تراجم احوال از علما، فقها، مشایخ صوفیه، صدور، قضاة و سایر افرادی که در بخارا مدفون شده‌اند، بسیار مغتنم است. به علاوه متن کتاب تصویری از یک گوشه از جامعه قرون میانه بخارا ارائه می‌کند و امکان فهم برخی مسائل زندگی خصوصی مردم یک شهر اسلامی - ایرانی را مهیا می‌نماید. البته اشراف و وسعت اطلاع و دانش مصحح محترم از مسائل مختلف جامعه اسلامی - و به ویژه تذکرة‌های مختلف - از اسباب موفقیت وی در انجام این خدمت فرهنگی شده است که تقدیر و تشکر و احترام مطالعه‌کنندگان و اهل علم را بر می‌انگیزد.

پی نوشت‌ها:

- ۱- احمدبن محمود المدعوبه معین الفقرا: تاریخ ملازاده (در ذکر مزارات بخارا ۱، به اهتمام احمدگلچین معانی، تهران، مرکز مطالعات ایرانی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۱.
- ۲- همان، ص ۱۵.
- ۳- همان، ص ۱۶ - ۱۵.
- ۴- این امر در توضیحات - گاه فرعی - مولف در خصوص اهمیت و ارزش عالم و شیخی که مورد بحث وی است، منعکس است. مثلاً در ذکر خواجه ابوحفص بخاری. ر. ک: ص ۱۸
- ۵- همان کتاب، ص ۱۳ - ۱۲
- ۶- همان - ص ۱۳ - پس از این جهت اختصار، ارجاعات متن کتاب تحت عنوان (همان، ص -) می‌آید.
- ۷- مطالب و منقولات معین الفقراء منحصر به کتب تاریخی نیست. بلکه حتی استاد به کتب تاریخی در روایت وی غالب نیز نیست - دلیل این امر بعداً ذکر می‌شود - لذا در فهرست منابع وی بسیاری کتب از رشته‌های مختلف علمی - انساب، اصولی، تاریخی و غیره - بچشم می‌خورد.
- ۸- مثلاً می‌آورد «... و گفته‌اند که پیش از آنکه به تربت امام صالح سجادی رسی، تربت قاضی امام ابوعلی نسفی است.» (ص ۴۵)
- ۹- مثلاً در قضیه لزوم پرهیز از بوسه دادن قبور و غیره، این اشراف وی بر برخی منابع فقهی و اصولی بچشم می‌خورد. (ص ۱۳)
- ۱۰- به عنوان مثال: صباح هشتم ذوالعقده رفت از دنیا که هفتصد و نود و هفت سال هجرت بود (ص ۵۶)
- ۱۱- که مصحح، جهت ایضاح مطالب آن بخش را از کتاب مسالک و ممالک اصطخری آورده است. این بخش از ص نه الی شانزده مقدمه را در بر می‌گیرد.
- ۱۲- اصولاً در چاپ جدید کتب، اگر قصد خدمت به جامعه علمی در میان باشد - اغلب همراه با برخی پیرایش‌ها و افزوده‌ها است. انجام امور شکلی چون تغییر حروف چینی نامناسب قبلی به حروف و خط مناسب‌تر، رفع معایب فاحش - در اینجا اعدادی که نشانگر پاورقی است و در متن آمده است - و لزوم انطباق آدرس‌های منابع داده شده در پاورقی، با نشانه‌های جدید منابع که چاپ و یا ترجمه شده‌اند و غیره. همگی از این جمله مسائل است، که در واقع سبب کار آمدتر شدن و استفاده سهل‌تر از کتاب توسط مطالعه‌کنندگان آن می‌شود. تحریر مقدمه مولف یا مصحح بر چاپ‌های بعدی یک اثر نیز، بر اساس این ضرورت است.
- ۱۳- اشارات وی مبنی بر اینکه مقابر شافعیان در این زمان مندرس است و ذکری از کسانی که در آن قبرها مدفون هستند، نمی‌آورد، از آن جمله است (ص ۵۸)
- ۱۴- از دیگر موارد فرعی که در روایت مولف دیده می‌شود، آوردن اشعار، موارد تاریخ و غیره که در ستایش صاحبان قبور سروده شده است و غیره می‌باشد. (مثلاً ص ۴۲)
- ۱۵- درباره مفهوم گور و مدفن در آئین زردشتی - که بنده اطلاع زیادی ندارم - جای این موشکافی خالی است که از حیث انواع متفاوت مقابر آیا تفاوت‌های قبرها، در کلمات و زبان آن دوره نیز منعکس شده‌اند یا نه؟
- ۱۶- مفهوم کلمه عاشورا که از اوقات مخصوصه بوده است را مصحح در یکی از پاورقی‌های روشنگرانه خود بخوبی تشریح است. پاورقی ش ۱ - ص ۱۱
- ۱۷- مصحح محترم کتاب در پاورقی‌های مفید خود، اشارات و اختصاراتی را که مولف از ۳۵ سور و ادعیه مختلف آورده است، مفهوم کرده و به اصل آنها ارجاع داده است .

کتاب، در حکم امری فرعی نیز محسوب می‌شوند، که مطالعه آن برای خواننده مطلع، سودی دربر ندارد. گاه برخی از آنها غیر ضروری هستند (مثلاً حاشیه ۲ و ۳، ص ۶۲). توضیحات بخش تکلمه حواشی که مصحح آورده است، گاه زیاده ربطی به قضیه مزارات ندارد. لذا ضرورت ارائه آنها در قسمت تکلمه نامعلوم است. (مثلاً شرح مصحح در ص ۸۵ - ۸۰)

قسمت جغرافیای بخارا که در ابتدای متن اصلی کتاب، آورده شده است اگر بعنوان یک ضمیمه در بخش انتهائی کتاب می‌آمد، از نظر رعایت اهمیت بخش‌های کتاب پسندیده‌تر بود.

مصحح محترم در ارزیابی از کتاب تاریخ ملازاده بدون اینکه خود اظهار نظری بنماید، این کار را به و. یارتولد احاله می‌نماید (ص شش) که داوری او نیز ارزش کتاب را نشان نمیدهد در حالی که جا داشت مصحح محترم طی مقایسه‌ای که میان متن تاریخ ملازاده و کتب مشابه به عمل می‌آورد، ارزش تاریخی و محتوایی این کتاب را به درستی نشان میداد.

درباره مصحح محترم چند نکته دیگر به صورت گذرا تذکر داده می‌شود.

- ۱- اگر متن روایات، احادیث و مجلات عربی موجود در متن، ترجمه می‌شد، بهتر بود. (مثلاً در دیباچه اثر نصف صفحه به عربی است. ص ۱ و یا ص ۱۰ - ۶)
 - ۲- مصحح محترم در هیچ کجا مدعی مطالب و اظهارات مولف نشده است. ظاهراً این امر دلالت بر همراهی و هم رأیی مصحح با مولف در همه مواضع دارد. متأسفانه چون مصحح متعرض این نکته نشده است، برای ما جای چنین برداشتی را باز می‌گذارد.
 - ۳- اگر مصحح محترم نقشه‌ای از شهر بخارا، بر اساس متن کتاب ترسیم می‌کردند، سببی بر سودمندی کتاب می‌افزود. حتی اگر نقشه جدید شهر نیز تهیه و به کتاب الصاق میشد، باز فوایدی در پی داشت.
 - ۴- تهیه عکس‌های مختلف از وضع شهر بخارا در دوره جدید، از وضعیت معابر مورد بحث نیز همین وضعیت را می‌توانست حاصل کند.
 - ۵- در صورتی که امکان می‌داشت اگر اقوال، آراء، آئین‌ها و مناسک مورد اشاره در متن کتاب، با عقاید مثلاً شیعیان مقایسه می‌شد، بررسی و فهم بسیاری مسائل تاریخی و دینی افزایش می‌یافت.
 - ۶- در چاپ جدید کتاب باید با استفاده از امکانات جدید چاپ کتاب، علاوه بر آراسته کردن خط، از علائم ویراستاری و غیره جهت بالا بردن صحت برداشت مطالعه‌کننده از مطالب کتاب، استفاده می‌شد، که متأسفانه کتاب فقط بصورت افست چاپ و به بازار عرضه شده است.
- در صورتی که مصحح محترم به بازشناسی و تبارشناسی برخی شخصیت‌ها و خاندانهای مورد اشاره در کتاب اهتمام می‌ورزید، مزید فایده را سبب می‌شد.
- به همین صورت اگر در اقدامی ابتکاری به دست‌بندی صاحبان قبور مورد اشاره دست زده و میزان پراکندگی و یا درصد فراوانی اقشار اجتماعی متفاوتی را که مولف آورده است را مشخص می‌کرد امکان فراهم آمدن زمینه جهت بسیاری برداشت‌های جدید از ساختار کتاب فراهم می‌آمد.
- برخی از کتابهایی که مصحح محترم در حواشی به آنها ارجاع داده است در وضعیت نسخه خطی‌اند و فی الحال این کتابها چاپ نشده‌اند. لذا مناسب بود حواشی به کتب چاپ شده ارجاع داده می‌شد. (مثلاً پاورقی ۱- ص نه)

سخن آخر

بدون شک با چاپ کتاب تاریخ ملازاده، برگی دیگر بر گنجینه کتب و منابع تاریخی